



# مدال آزادی

روز ملی

تنها برای یک نفر

بی بی سی علیه فارسی

جشن یک سالگی کلمه

نشریه  
کلمه

شماره ۱۱

نشریه بسیج دانشکده ادبیات فارسی و  
زبانهای خارجی علامه طباطبایی (ره)

و در آغاز چیزی جز کلمه نبود ...



## فهرست

۸

نگاهی گذرا به  
زندگی آیت الله  
خامنه‌ای

۶

کلمه

۴

روز ملی

۱۲

تنها برای یک نفر

نشریه  
کلمه

۱۰

برخی از عناصر  
شاخص انقلاب

۱۸

تیز چشم

۱۷

بی بی سی  
علیه فارسی

۱۴

اشعار ملل

صاحب امتیاز:

بسیج دانشجویی دانشکده ادبیات  
فارسی و زبانهای خارجی علامه  
طباطبایی (ره)

مدیرمسئول و سردبیر: میثم بالزده  
دبیر تحریریه: رامین صداقت

صفحه آرا: نعیمی پور

ویراستار: علیرضا عبدالعلی سربندی

تحریریه: علی واحدتی نیا، علیرضا  
عبدالعلی سربندی، زهرا رجائی، محدثه  
نقوی، نفیسه اغمی، میثم بالزده،  
فائزه رحیمی نژاد، مینا غلامی نژاد

نشریه  
کلمه





# روز ملی

میثم بالزده؛ دانشجوی فلسفه



کلمه

شماره یازدهم / بهمن ۱۴۰۰

۴



فتح قلعه باستیل، اثر ژان-پیر اوتل

هر ساله، ۱۴ ژوئیه (ژولای) در فرانسه تعطیل رسمی است، در این روز جشنی برگزار می‌شود تحت عنوان جشن‌های روز ملی فرانسه (لو کتوغز ژوئیه) که به جشن‌های روز ملی باستیل نیز مشهور است. مناسبت این جشن بزرگ و تعطیلی رسمی، یورش به باستیل است که آغازگر مهم‌ترین جنبش اعتراضی تاریخ مدرن بود و به زعم بسیاری از مورخان به بزرگ‌ترین و مشهورترین انقلاب تاریخ، یعنی انقلاب فرانسه، منجر شد. هر چند که عمر انقلاب فرانسه در نهایت به چهار سال هم نکشید و از آن روز تا به امروز، بارها در فرانسه انقلاب‌های مختلفی رخ داده و حکومت‌ها و اشخاص متفاوتی به قدرت رسیده‌اند، با این حال این روز همچنان مهم است و مردم فرانسه هر سال آن را جشن می‌گیرند.



همچنین هر ساله در ماه نوامبر در روسیه، مردم روسیه جشن بزرگی بر پا می‌کنند، به مناسبت تسخیر کاخ زمستانی تزار در شب هفتم نوامبر سال ۱۹۱۷ و پیروزی انقلاب اکتبر این روز برای روس‌ها یک روز ملی است و هر ساله آن را جشن می‌گیرند، هر چند که نتیجه‌ی انقلاب اکتبر، به قدرت رسیدن بلشویک‌ها و برپایی حکومت شوروی بود.



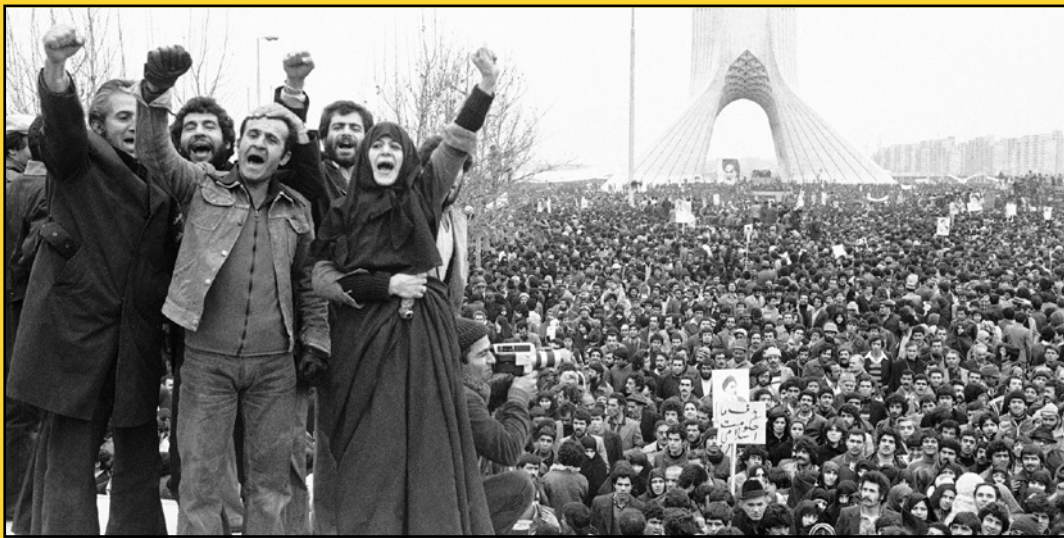
امکان داشتن از بی‌امکانی، روز فعلیت پیدا کردن از قوه! روز "وجود" یافتن هر فردی، مهم‌ترین روز اوست چرا که آن روز است که به او وجودش به فارغ از هر جایگاه و معنایی که امروز دارد به معنا و امکان داده. در حقیقت اگر آن روز نبود، اصلاً او بی وجود نداشت که حالا بخواند خود و زندگی‌اش را بسنجد که آیا اصلاً از آن رضایت دارد یا نه! آن مهم‌ترین روز است که به هر چیزی معنا داده، فارغ از آنکه حال چه چیزی وجود دارد.

**روز تولد هر فردی، فارغ از وضعی که آن فرد در زندگی دارد، مهم‌ترین روز زندگی اوست.** برای آن فرد، اهمیتی ندارد که در چه وضعی است، آیا در زندگی‌اش موفق است یا ناموفق، آیا به خواسته‌هایش رسیده یا نه، آیا رضایت دارد یا انتقاد، فارغ از هر چیزی، روز تولد هر فرد، مهم‌ترین روز زندگی‌اش است، چرا که روز تولد اوست، روزی که حیاتش آغاز شده، روزی که نقطه‌ای به وجود آمده که آغازگر خط او بوده. به بیان صریح‌تر، روز تولد هر فردی، روز "وجود" اوست، روز معنا یافتن از بی‌معنایی، روز

مردم فرانسه و روسیه هر ساله روز ملی‌شان را جشن می‌گیرند، حال آنکه نه انقلاب فرانسه و نه انقلاب روسیه، هیچ‌کدام موفق نبوده‌اند و پس از آن روز که روز تولد است هیچ‌کدام وضع و تاریخ بهتری برای کشور و مردم‌شان رقم نزدند. با این حال اما اهمیت دارند و جشن گرفته می‌شوند؛ چرا که از طرفی یک نقطه‌ی پایان‌اند بر سال‌ها مبارزه با آنچه که آن

را ظلم و بی‌عدالتی و تبعیض می‌دانستند و از این جهت، روز دست یافتن به یک پیروزی بزرگانند، و از طرفی روز تولداند، روز معنا یافتگی، روز وجود پیدا کردن! معنا و وجود از آن جهت که به خود و تاریخ ثابت کردند که قدرت دست‌یابی به پیروزی و احقاق حق را دارند، قدرت برچیدن یک دستگاه قدرتمند اما ظالم، و پیروزی برای رسیدن به آزادی و عدالت! مهم نیست در

ادامه چه شده! آنچه در ادامه محقق شده، مربوط به فردای آن روز است، مربوط به نقطه‌ی دیگری است که متر و معیار دیگری برای سنجش و مقایسه می‌خواهد. آنچه اهمیت دارد، آن روز است که نقطه‌ی پایان یک مبارزه‌ی سخت و طولانی است و نقطه‌ی آغاز وجود یافتگی و تولد! هر چه که در ادامه محقق شده، مربوط به فردای آن روز است...



۲۲ بهمن ۱۳۵۷ هجری شمسی نیز چنین موقعیتی در تاریخ کهن ایران دارد. یک روز ملی بزرگ و شاید بزرگ‌ترین روز تاریخ ایران که از طرفی نقطه‌ی پایانی قریب به یک سده مبارزه برای رسیدن به آزادی و عدالت مردم ایران است، مبارزه‌ای که از پیش از مشروطه آغاز شد، با مشروطه قوت گرفت، با جنبش ملی شدن نفت و نخست‌وزیری مصدق ادامه پیدا کرد و در نهایت در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ به پایان و به پیروزی رسید. یک پیروزی بزرگ پس از حدود

یک قرن مبارزه! و از طرفی دیگر، نقطه‌ی آغاز است، نقطه‌ی وجود یافتگی، نقطه‌ی تولد! یک تولد دوباره برای ایران و مردمش که سالیان سال، تن به خفقان و بی‌عدالتی و استعمار داده بودند و حالا به خود و به تاریخ ثابت کردند که "توانستند" به آنچه "می‌خواستند"، "برسند". مهم نیست در ادامه چه شد، که هر چه شد، نقطه‌ی آغازش از فردای آن روز بوده و متر و معیار دیگری می‌خواهد. اساساً هم این روز، ارتباطی به هیچ حکومتی ندارد. ۲۲ بهمن روز جمهوری

اسلامی نیست که مخالفانش بخواهند آن را نادیده بگیرند، روز جمهوری اسلامی ۱۲ فروردین است! ۲۲ بهمن یک روز ملی است و متعلق به همه است، به هر کسی با هر فکر و گرایش و اعتقادی! ۲۲ بهمن روز ایران است و متعلق به هر ایرانی، فارغ از آنکه نسبت به امروز و وضعیت موجود و حکومت حاضر، انتقادی داشته باشد یا نداشته باشد. ۲۲ بهمن یک روز ملی بزرگ است، روز تولد تاریخی، روز وجود یافتن!

درست است که دستگاه پروپاگانداي حکومت، در تمام این سال‌ها و خصوصاً از پس از وقایع سال ۸۸ و پس از تمام اعتراضات و درخواست تجدید و اصلاح و رفراندوم - فارغ از آنکه این درخواست چقدر درست یا نادرست باشد - از سوی درصد قابل توجهی از مردم، حضور

در هر راهپیمایی فراحکومتی - همچون راهپیمایی روز قدس - و هر مراسم فراحکومتی - همچون مراسم تشییع قهرمان ملی - را مصادره به مطلوب کرده و به نام خود زده است؛ اما با این وجود، باز هم، این بهانه‌ی خوبی برای چشم پوشیدن بر اهمیت این روز ملی و بزرگداشتش نیست!

۲۲ بهمن یک روز تاریخی و ملی است و باید آن را جشن گرفت. حتی اگر امروز وضعیت مطلوب نباشد و نسبت به آن انتقادهای بسیاری باشد! ۲۲ بهمن یک روز ملی است، روز تولد، روز وجود یافتن، و باید هر ایرانی آن را جشن بگیرد...



کلمه

شماره یازدهم / بهمن ۱۴۰۰

# کلمه

علیرضا عبدالعلی سربندی؛ دانشجوی ادبیات فارسی



کلمه

شماره یازدهم / بهمن ۱۴۰۰



۶

آنچه که  
از درونمان  
می آید  
جوشیده  
از پدیده  
احساسات و  
چشمه جوشان  
عقل است!

کند و اطلاعات را به جای رسانه‌های جمعی از کتابها و دست‌نوشته‌های گوناگون بشری بستاند؛ اگر در شرایط اول به ما بگویند از آورده‌های روزت قدری بنویس، به زحمت دوپست کلمه را در کاغذ بگنجانیم. اما اگر در حالت دوم قلم را بجنبانیم مشخص نیست کدام قوه‌ای مقابل نوشتن ما خواهد ایستاد!

آنچه که از درونمان می‌جوشد برآمده از فوران احساسات و چشمه جوشان عقل است؛ در نبرد عقل و احساس (به عنوان دو قوه تأثیرگذار آدمی) آبی پیروز و ممتاز خواهد شد که اطلاعات بیشتری را نصیب قوه تصمیم‌گذار ما کند. برای مثال، شبانه‌روز ما با بمباران انواع اطلاعات مواجه است. فرض کنید کسی بر این تهاجم غلبه



بیندیشیم، مدخل بحث موضوعیت پیدا می‌کند. نشریه محلی برای جمع‌آوری انبوهی کلمه است که از آن سوی عقل و احساس جوشیده‌اند و خود را تا مقابل دیدگانمان رسانده‌اند.

حال اگر مثل بیشتر اجناس این عالم بر نشریه هم انواعی قائل باشیم، آنچه مقابل شماست یک نشریه دانشجویی است. پس چه چیزی فرخنده‌تر از نشریه دانشجویی که هم مولود دانشگاه است و هم مأمن دغدغه‌های صادقانه دانشجویان.

نوشتن، امن‌ترین مسیر ممکن برای برون‌ریزی حجم انباشته اطلاعات در ورای سد احساسات و عقل است. تمام اصحاب قلم، از تاریخ‌نویسان و فلاسفه یونان باستان تا حکمای مشرق زمین، از روایت حدیث تا اصحاب اندیشه، از داستان‌نویسان و شاعران تا مقاله‌نویسان و پژوهشگران، با این دو قوه سترگ دست به گریبانند و نویسنده ماهر کسی است که از هر دو به قدر کافی واژه استخراج کند تا به زیبایی بر رکاب اوراق بنشانند.

در چنین فضایی اگر به اهمیت نشریه

پس مکتوباتی که  
می‌خوانی بر آنچه که  
در جان ما می‌گذرد،  
اگر مستقیم می‌گذارد.

حجم از مهمات تنها از دستان مبارک قلم و کلمه بر می‌آید. چرا که لحظه‌ها را ثبت و عقاید را ضبط می‌کنند.

یافتن مسأله که خود حاصل تأملی شگرف در زیست نویسنده است و تبدیل آن به سوژه، سپس پرورش آن، کاری سترگ است که انتقال این

مرحوم شهریار در مقدمهٔ دیوانش مسیر شعر گفتن را اینطور ترسیم کرده‌است:

«احساسات شاعر موجی می‌زند و موضوع پیدامی‌شود؛ موضوع تبدیل به معنی شده و معانی در الفاظ حلول می‌کند. خواننده از این سر وارد می‌شود، یعنی از الفاظ پی به معنی و از معانی به موضوع و از موضوع، احساساتی در او پیدا می‌شود که باید عین احساسات شاعر باشد و الا در یکی از این دو دستگاه دهنده یا گیرنده عیب و نقصی موجود است.»

است و امیدوارم احدی به آن دچار نشود. در نهایت، سعی نگارنده این بود که اسلوبی انتزاعی-واقعی از نحوهٔ نوشتن و ارزش کلمات و نشریات برای خواننده ترسیم کند و بر اهمیت نشریهٔ دانشجویی صحه گذارد.

همین قاعده‌ای که استاد شهریار فرمود در نوشتن متن هم موجود است. سخنی که از دل و اثر دغدغه برآید لاجرم بر دل نشیند. نشستن بر تخت ساخت و تولید متن از سر روزمرگی، موضوعی ترسناک و دردناک

**پس چه چیزی فرخنده‌تر از نشریه دانشجویی که هم مولود دانشگاه است و هم مأمن دغدغه‌های صادقانهٔ دانشجویان.**



کلمه

شماره یازدهم / بهمن ۱۴۰۰



# نگاهی گذرا به زندگی آیت الله خامنه‌ای

محدثه نقوی؛ دانشجوی مترجمی عربی



کلمه

شماره یازدهم / بهمن ۱۴۰۰

۸



با آغاز نهضت اسلامی به رهبری امام خمینی، آیت‌الله خامنه‌ای وارد عرصه‌های گوناگون مبارزه با طاغوت شدند و از نخستین افرادی بودند که فعالیت‌های مبارزاتی را قبل از ۱۵ خرداد آغاز کردند؛ ماموریت سید علی خامنه‌ای و برادرشان بعد از همه پرس‌رسی رساندن گزارش درمورد واکنش مردم مشهد به همه پرس‌رسی در قالب نامه به امام خمینی بود.

در دوران جنگ با عراق به محض شنیدن خبر تهاجم به شهرهای جنوبی و غرب کشور، به سوی جنوب شتافتند و علاوه بر بررسی اوضاع با لباس رزم و سلاح همراه رزمندگان، صمیمانه برای دفاع از کشور کنارشان ایستادند و همین ایستادگی به ظاهر ساده هم بهانه‌ای بود برای درک شب بیداری‌ها، خواب‌هایی با دلواپسی، سینه خیز رفتن به سوی دشمن روی خاک‌های سوزان و دلگرمی برای فرمانده‌ها و رزمندگان جوان بود.

همچنین حضور میدانی آیت‌الله خامنه‌ای در جبهه جنگ و راه‌اندازی ستاد جنگ‌های نامنظم به همراه بسیج عمومی، ضربات جبران ناپذیری بر دشمن وارد کرد.

صدور فرمان تهدیدآمیز برای شکست حصر سوسنگرد و جلوگیری از سقوط آن نمونه تصمیمات ماندگار ایشان است؛ همچنین حمایت از طرح عملیات ثامن الائمه موجب شکست حصر آبادان شد.

سردار رحیم صفوی می‌گوید: طرح شکستن حصر آبادان را خود من بردم و در شورای عالی دفاع در پایگاه هوایی دزفول تشکیل شد بنی صدر و دیگران موافق نبودند اما آقا باتوجه به شناختشان به من قاطعیت به خرج دادند و طرح تصویب شد و اگر این قاطعیت نبود طرح شکست حصر آبادان تصویب نمی‌شد.



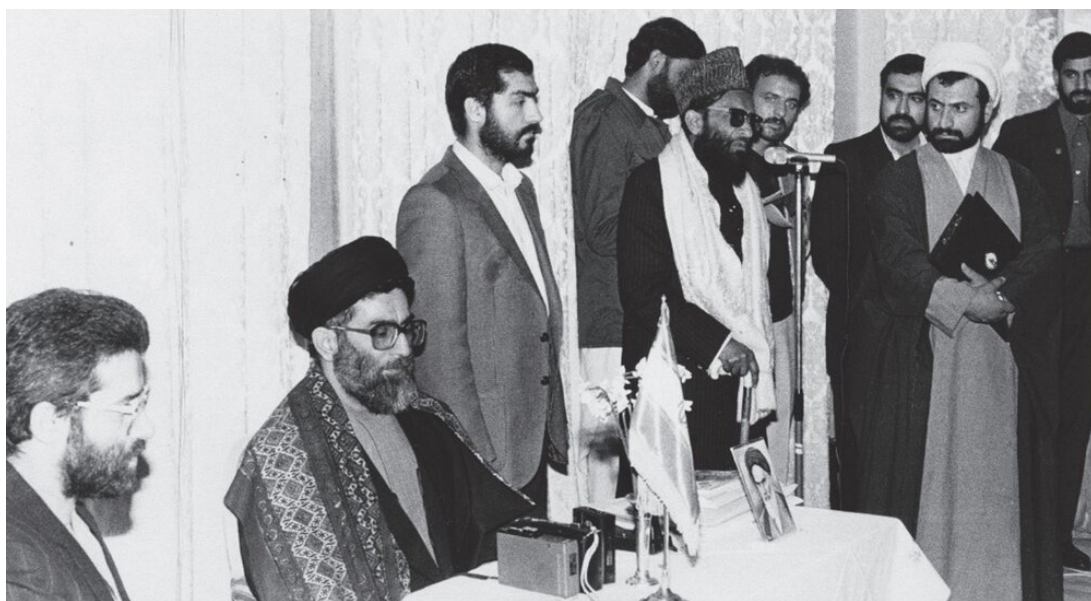
**حضور میدانی آیت‌الله خامنه‌ای در جبهه جنگ و راه‌اندازی ستاد جنگ‌های نامنظم به همراه بسیج عمومی، ضربات جبران ناپذیری بر دشمن وارد کرد.**



## اشاره ای به دلایل انتخاب آیت الله خامنه ای به عنوان رهبر

آقای سجادپور در مقاله‌ی خود می‌نویسند: شاید در جهان هیچ رهبری وجود نداشته باشد که به اندازه آیت‌الله خامنه‌ای مسایل جاری جهان برایش اهمیت داشته باشد اما همزمان تا این حد برای جهانیان ناشناخته باشد.

پایبندی و وفاداری ایشان به آرمان‌های انقلابی و آموزه‌های آیت‌الله خمینی، حضور فعالشان در جبهه‌ها و نقش آفرینی در عملیات‌های بزرگ، پا به پا آمدن آقا همراه جوانان برای دفاع از کشور دلایلی شدند برای انتخاب مقام رهبری.



شاید در جهان هیچ رهبری وجود نداشته باشد که به اندازه آیت‌الله خامنه‌ای مسایل جاری جهان برایش اهمیت داشته باشد اما همزمان تا این حد برای جهانیان ناشناخته باشد.



## اهمیت کتاب‌های انقلابی

برای اینکه جایی برای انکار حقایق نماند. کتاب‌ها با ظاهری ساده و باطن پر درد و رنجشان ماندند تا ثابت کنند حقایقی رخ داده و خون‌هایی ریخته شد که حق نبودند و شاید اگر بی توجه عبور می‌کردند قطعا دشمنان شایع پرانی می‌کردند تا بتوانند ضربه ای مهلک برای تخریب تمام آن سلحشوری‌ها وارد کنند.

کتاب‌ها و نوشته‌هایی به قلم رهبر، نوشته‌هایی به رنگ خون و رنج‌های پشت درهای بسته زندان، رنج‌هایی که خود بارها صبورانه تحمل کردند، همراه کلمه‌ها زندگی کردند و درک کردند و بسیاری از نویسندگانی که قلم را مخفیانه به دست می‌گرفتند با تمام دغدغه‌هایشان سعی داشتند حقایقی را ثبت کنند و همین کافی است



کلمه

شماره یازدهم / بهمن ۱۴۰۰



# برخی از عناصر شاخص انقلاب

نفیسه اغمی؛ دانشجوی مترجمی عربی



کلمه

شماره یازدهم / بهمن ۱۴۰۰

۱۰

## زن

زن، نیمی از جمعیت ایران را تشکیل می‌دهند و می‌توانند بر نیم دیگر تاثیر بگذارند. زنان در دوره پهلوی کوشیدند با اقدامات فرهنگی اهداف ضد اسلامی رژیم پهلوی را خنثی کنند. بانوان ایرانی پس از انقلاب هویت واقعی خود را باز یافتند و با استقامت و تلاشی ستودنی و خستگی‌ناپذیر دوشادوش مردان خود برای رسیدن به اهداف انقلاب همراه شدند. چنانچه رهبر عظیم انقلاب درباره وجود با ارزش و نقش موثر آنان می‌گوید: «زن مربی جامعه است. از دامن زن، انسان‌ها پیدا می‌شوند. ... زن با تربیت خودش انسان درست می‌کند و با تربیت صحیح خودش کشور را آباد می‌کند. مبدأ همه سعادت‌ها از دامن زن بلند می‌شود.»



## آیت الله سید محمود طالقانی

طالقانی از رهبران انقلاب ۱۳۵۷ ایران بود و پس از ترور مرتضی مطهری، ریاست شورای انقلاب را بر عهده گرفت. طالقانی در اواخر عمرش از طرف امام خمینی به عنوان امام جمعه تهران معرفی شد. پس از آن نیز وارد مجلس خبرگان قانون اساسی شد و یک ماه بعد درگذشت.

وی در اوایل انقلاب، از معدود روحانیونی بود که از محمد مصدق و علی شریعتی دفاع کرد. هم‌چنین او مورد علاقه همه گروه‌ها و احزاب بود به طوری که سازمان مجاهدین خلق ایران او را پدر طالقانی خطاب می‌کرد.



rishenews

## شهید مهدی رجب بیگی

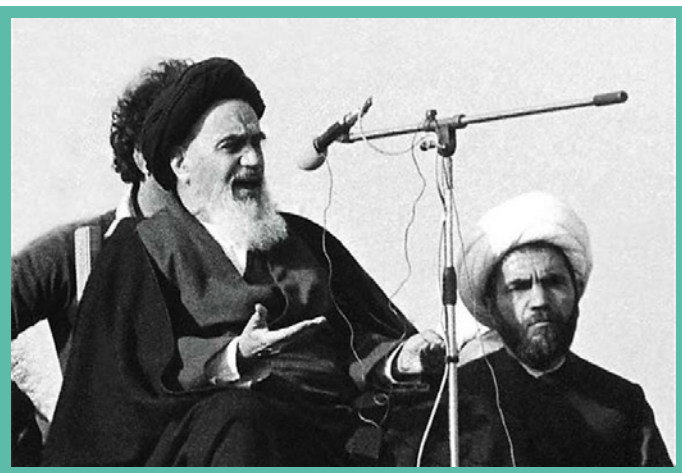
ایشان از اعضای فعال دانشجویان پیرو خط امام بود که در تسخیر سفارت آمریکا نیز نقش بسیار مهمی داشت. مهدی رجب بیگی از اعضای فعال دفتر تحکیم وحدت بود. وی نماینده امام در گردهمایی جنبش‌های آزادی بخش بود و در سال ۱۳۶۰ توسط مجاهدین خلق ترور شد.



باشگاه خبرنگاران؛ ناصر جعفری

## شهید محمد مفتاح

مرحوم مفتاح قبل از انقلاب، به چاپ مقالات متعدد در روزنامه‌ها و مجلات اسلامی و سخنرانی در شهرهای مختلف علیه حکومت پهلوی پرداخت که در نهایت این فعالیت‌ها منجر به تبعید او به زاهدان شد. پس از انقلاب و بازگشت امام خمینی به ایران یکی از اعضای اصلی تشکیل دهنده کمیته استقبال بود و سرپرست کمیته ۴ انقلاب اسلامی و رئیس دانشکده الهیات تهران شد و در ۲۷ آذر ۱۳۵۸ مقابل همین دانشکده توسط گروه فرقان به رگبار گلوله بسته شد.



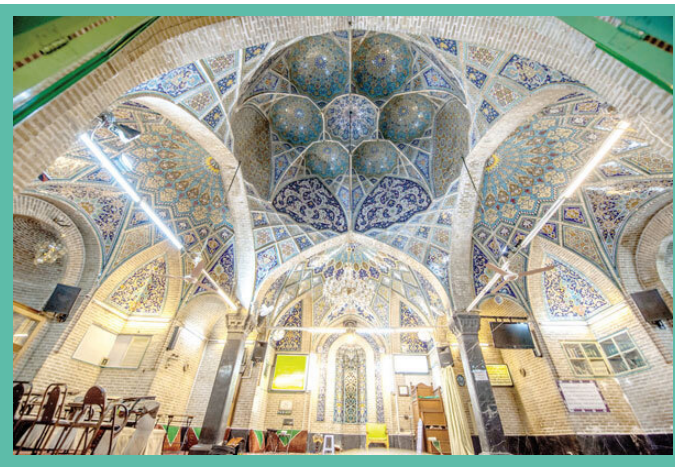
## مسجد سید عزیزالله (تحصن علما)

مسجد سیدعزیزالله مرکز ارتباط روحانیان و بازاریان بود. به طوری که به دنبال سخنرانی امام خمینی (ره) در خرداد ۱۳۴۲ در قم، در مسجد سید عزیزالله مراسم دعا و نیایش برگزار شد و در پی آن علمای وقت آیت الله خوانساری، بهبهانی و تنکابنی در این مسجد متحصن شدند. این مسجد واقع در بازار چهارسوق جنب بازار بزرگ تهران است و از بناهای تاریخی عصر قاجاری به شمار می‌آید که توسط سید عزیزالله در زمان فتحعلی شاه قاجار بنا شد.



## مسجد لرزاده (پایگاه سخنرانی های مذهبی-سیاسی)

با آغاز نهضت امام خمینی (ره) مسجد لرزاده از برجستگی خاصی در کنار دیگر مساجد مهم تهران برخوردار شد. امامت مسجد لرزاده تا سال ۱۳۴۰ برعهده مرحوم شیخ علی اکبر برهان بود. در سال ۱۳۴۱ حاج شیخ علی آقا تنکابنی معروف به «فلسفی» اقامه مسجد لرزاده را عهده‌دار گردید که تا سال ۱۳۵۰ شمسی ادامه داشت. فعالیت‌های این مسجد در این دوران تبلور خاصی داشت و محل سخنرانی بیدارکننده و عاظ و روحانیون و تجمع و تصمیم‌گیری نیروهای انقلابی برای حمایت از نهضت امام خمینی (ره) بود. بعدها در دهه ۱۳۵۰ نیز با امامت آیت‌الله عباسعلی عمید زنجانی این فعالیت‌ها شدت گرفت و تداوم یافت. این مسجد در خیابان لرزاده منشعب از خیابان خراسان در جنوب تهران واقع شده است.



## مسجد کرامت (مهم ترین پایگاه انقلابیون مشهد)

مسجد کرامت در دوران انقلاب مرکز و ستاد عملیاتی تظاهرات و راهپیمایی‌های مردم مشهد و سنگر حضور افرادی چون آیت‌الله خامنه‌ای، آیت‌الله واعظ طبسی، آیات عظام نوغانی، مرعشی، شیرازی و شهیدانی چون هاشمی‌نژاد، کامیاب، موسوی قوچانی و اندرزگو بود که در صف مبارزین اصلی انقلاب قرار داشتند و برای پیشبرد اهداف امام راحل و مبارزه با رژیم ستمشاهی شکنجه‌ها و سختی‌های فراوانی را به جان خریدند. این مسجد قدیمی در مرکز شهر مشهد و در فاصله تقریبی کمتر از ۵۰۰ متر به بارگاه منور رضوی و در چهارراه شهدا (چهارراه نادری) واقع شده است.



کلمه

شماره یازدهم / بهمن ۱۴۰۰



۱۱



# تنها برای یک نفر...

زهره رجائی؛ دانشجوی تاریخ

ها بیشتر می‌گذشت سیل جمعیت بیشتر و بیشتر می‌شد.

صدای غرش هواپیما دل‌ها را بی‌تاب‌تر از همیشه کرد. سکوتی همه‌جا را فراگرفته بود. ترس و دلهره بابت امنیت امام از یک طرف و شوق دیدن او از طرف دیگر حس متناقضی در هم ایجاد کرده بود.

بعد از مدت‌ها انتظار بالاخره دیدمش... آن نگاه گیرا... آن آرامش وصف‌نشدنی... نمی‌دانم چرا اشک‌هایم بی‌اختیار می‌ریزند، باید خوشحال باشم، انتظار به پایان رسیده. دیگر امید و آرزو به این کشور بازگشته. دیگر باید با دیکتاتوری، وابستگی، ظلم و ستم خداحافظی کرد. مردی با کوله باری از شجاعت، تقوا، ایستادگی و حکمت به دل این ملت رنج کشیده بازگشته است، مردی از جنس دریا که از واژه واژه سخنانش، دل مردم را سرشار از امید و محبت کرد:

«من از عواطف طبقات مختلف ملت تشکر می‌کنم. عواطف ملت ایران به دوش من بار گرانی است که نمی‌توانم جبران کنم. من از طبقه روحانیون که در این قضایای گذشته جانفشانی کردند، تحمل زحمات کردند، از طبقه دانشجویان که در این مسائل مصایب دیدند، از طبقه بازرگانان و کسبه که در زحمت واقع شدند، از جوانان بازار و دانشگاه و مدارس علمی که در این مسائل خون دادند، از اساتید دانشگاه، از دادگستری، قضات دادگستری، وکلای دادگستری، از همه طبقات، از کارمندان، از کارگران، از دهقانان، از همه طبقات ملت تشکر می‌کنم.»

زودتر از همیشه از خواب بلند شدم به محض بیدار شدنم چشمانم به عکس قاب شده‌ام، روی دیوار گره خورد. باورم نمی‌شد امروز قرار است بعد از سال‌ها انتظار، نه از پشت شیشه قاب عکس و نه از لابه‌لای تصوراتم در واژه واژه اعلامیه‌ها، بلکه قرار بود با چشمانم، بدون هیچ واسطه‌ای بینم. قلبم از شدت هیجان الان است که بایستد. نمی‌دانم چگونه توصیف کنم حالم را. شاید اسمش را بتوان شوق رسیدن به معشوق گذاشت یا نه بگذار ساده‌تر بگوییم، اسمش را شوق به وصال می‌گذارم که بند بند وجودم را در هم تنیده. هماهنگی‌های لازم با دوستانم انجام شده بود. بدون لحظه‌ای تعلل بهترین لباسم را به تن کردم و خودم را به دست کوچه پس کوچه‌های تهران سپردم. خیابان‌ها مملو از مردان و زنانی بود که به عشق دیدار با امامشان مشتاقانه به سمت فرودگاه سرازیر می‌شدند. قرارمان دانشگاه تهران بود. مردم عاشق، قسمتی از خیابان‌ها را آب و جارو کرده بودند و دسته گل‌های زیبایی را به یمن ورودش سنگ فرش خیابان‌ها کرده بودند. پرچم و پلاکارد‌های مختلفی در سراسر میدان‌ها آویزان شده بود. هر کس مشغول کاری بود. همه با هم گوشه گوشه شهر را آذین می‌بستند، تا آماده‌ی ورود او شوند. ساعت ۶ صبح بود، با رفقا به سمت فرودگاه حرکت کردیم. هنوز چند ساعتی به فرود هواپیمای امام مانده بود اما جمعیت بود که به سمت فرودگاه حرکت می‌کرد. از پیر و جوان گرفته تا زنان و کودکان. انگار در آن ثانیه‌ها تمام مردم ایران یکی شده بودند و قلب‌هایشان تنها برای یک نفر می‌تپید. هر چه دقیقه



السمفونية الجنوبية الخامسة

سميتك الجنوب..

يا لباساً عباءة الحسين

وشمس كربلاء..

يا شجر الورد الذي يحترف الفداء

يا ثورة الارض التقت بثورة السماء

يا جسداً يطلع من ترابه

قمحٌ و أنبياء..

سميتك الجنوب..

يا قمر الحزن الذي يطلع ليلاً من عيون فاطمة

يا سفن الصيد التي تحترف المقاومة

يا كتب الشعر التي تحترف المقاومة

يا ضفدع النهر الذي

يقرأ طول الليل سورة المقاومة

\*\*\*\*

سميتك الجنوب..

سميتك الشمع الذي يضاء في الكنائس

سميتك الحناء في أصابع العرائس

سميتك الشعر البطولي الذي

يحفظه الأطفال في المدارس

سميتك الأقلام والدفاتر الوردية

سميتك الرصاص في أزقة "النبطية"

سميتك النشور والقيامة

سميتك الصيف الذي تحمله

في ريشها الحمامة

\*\*\*\*

سميتك الجنوب

سميتك النوارس البيضاء، والزوارق

سميتك الأطفال يلعبون بالزنابق

سميتك الرجال يسهرون حول النار والبنادق

سميتك القصيدة الزرقاء

سميتك البرق الذي بناره تشتعل الأشياء

سميتك المسدس المخبوء في ضفائر النساء

سميتك الموق الذين بعد أن يشعوا..

يأتون للعشاء

ويستريحون إلى فراشهم

ويطمنون على أطفالهم

وحين يأتي الفجر، يرجعون للسماء

\*\*\*\*

سيذكر التاريخ يوماً قرية صغيرة

بين قرى الجنوب،

تدعى "معركة"

قد دافعت بصدورها

عن شرف الأرض، وعن كرامة العروبة

وحولها قبائل جبانة

وأمة مفككة

\*\*\*\*

سميتك الجنوب..

سميتك الأجراس والأعياد

وضحكة الشمس على مرايل الأولاد

يا أيها القديس، والشاعر والشهيد

يا ايها المسكون بالجديد

يا طليقة الرصاص في جبين أهل الكهف

ويا نبي العنف

ويا الذي أطلقنا من أسرنا

ويا الذي حررنا من خوف

\*\*\*\*

لم يبق الا انت

تسير فوق الشوك و الزجاج

و الاخوة الكرام ،

نأمون فوق البيض كالدجاج

و في زمان الحرب ، يهربون كالدجاج..

يا سيدي الجنوب !

في مدن الملح التي يسكنها الطاعون و الغبار..

في مدن الموت التي تخاف ان تزورها الامطار..

لم يبق الا انت..

تزرع في حياتنا النخيل و الاعناب و الاقمار

لم يبق الا انت ..الا انت..الا انت..

فافتح لنا بوابة النهار..

## اشعار ملل

گرداورنده: مينا غلامى نژاد

دانشجوی زبان و ادبیات فارسی



سمفونی پنجم جنوبی  
جنوب نامیدمت..

ای که عبای حسین(ع) را بر تن کرده‌ای  
و خورشید کربلا بر تارکت می‌درخشد

ای درخت شکوفایی که قربانی شدن را پیشه‌ی  
خود ساخته‌ای

و شورش زمینی تو با انقلاب آسمانی پیوند یافته  
است..

ای بدنی که از خاک گوهر خیزش،  
هم گندم می‌روید و هم پیامبران سر بر  
می‌آورند..

جنوب نامیدمت..

ای مهتاب اندوهی که شبانگاه از چشمان فاطمه  
می‌تراود..

ای کشتیهای ماهیگیری که ایستادگی و مقاومت را  
در پیش گرفته‌اند..

ای کتابهای شعری که مقاومت را پیشه‌ی خود  
ساخته‌اند..

و ای غوک رودخانه که تمام شب سوره‌ی مقاومت  
را تلاوت می‌کند..

\*\*\*\*

جنوب نامیدمت

شمعی نامیدمت که در کلیسا می‌افروزند

حنایی نامیدمت که در میان انگشتان نوعروسان  
است

شعر حماسی نامیدمت

که کودکان در مدرسه از بر می‌کنند

مدادها و دفترهای گلی نامیدمت

روز رستاخیز نامیدمت

تابستانی نامیدمت که

کبوتر سپید بال آن را در میان پرهایش، به این سو  
و آن سو می‌برد

\*\*\*\*

جنوب نامیدمت

مرغان دریایی سپید و زورق نامیدمت

کودکانی نامیدمت که با زنبقها بازی می‌کنند

و مردانی نامیدمت که تا صبح در کنار آتش و  
تفنگ بیدار می‌مانند

قصیده‌ی آبی نامیدمت

آذرخشی نامیدمت که همه چیز با آن شعله ور  
می‌شود

سلاحی نامیدمت که در میان گیسوان زنان پنهان  
شده است

مردگانی نامیدمت که پس از تشییع پیکرشان  
برای صرف شام بر می‌گردند

در بستر خویش آرام می‌گیرند

و به کودکانشان سرکشی می‌کنند

و سپیده دمان، دوباره به آسمان باز می‌گردند  
تاریخ روزی از دهکده‌ای کوچک یاد خواهد کرد

دهکده‌ای از دهکده‌های جنوب

به نام "معرکه"

دهکده‌ای که سینه سپر کرد

و از شرافت خاک و از کرامت عرب دفاع کرد

در حالی که پیرامونش قبیله‌هایی بزدل بودند

و ملتی از هم گسیخته

\*\*\*\*

جنوب نامیدمت

زنگها و عیدها نامیدمت

و لبخند خورشید بر زمین بازی کودکان

ای قدیس ای شاعر و ای شهید

....

ای گلوله‌ای که بر پیشانی خفتگان غار شلیک  
شده است

ای پیامبر قهر و خشم

ای که ما را از اسارت رهاندی

ای که ما را از هراس و وحشت نجات دادی

\*\*\*\*

تنها تو ماندی

که بر روی خاشاک و شیشه‌های شکسته گام بر  
می‌داری..

و برادران گرمی..

چون مرغکان روی تخم‌های خویش خفته‌اند..

و هنگام نبرد،

چون ماکیان می‌گریزند..

ای سرور من ای جنوب :

در شوره زارهای طاعون زده و خاک آلود..

در دخمه‌هایی که حتی باران از باریدن بر آنها  
وحشت دارد..

تنها تو ماندی ..

تا در زندگی ما نخل و انگور و مهتاب بکاری..

تنها تو ماندی..تنها



کلمه

شماره یازدهم / بهمن ۱۴۰۰



# بی بی سی علیه فارسی

بررسی وضعیت زبان فارسی  
و گسترش آن به بهانه اقدام خبیثانه  
رسانه‌های بیگانه



علی واحدتی نیا؛

دانشجوی مترجمی عربی

# منوفارسی

# رفج-به-زبان-مادری

چند روزی است رسانه‌های بیگانه فارسی زبان به جهت برهم زدن وحدت ملی و ایجاد تفرقه میان اقوام، اقدام به ایجاد پویشی به نام (#منوفارسی) در فضای مجازی کردند آن‌ها به بهانه اعتراض به تک زبانی در ایران به دنبال از بین بردن هویت ملی بودند که این اقدام آنان با واکنش فارسی دوستان و بزرگان ادبیات فارسی همچون استاد شفیعی کدکنی همراه شد که منجر به ایجاد پویش (منو قند پارسی) برای مقابله با این تهاجم در فضای مجازی شد.

## چرا زبان فارسی؟

چرا انگلیس و رسانه‌های آنان به دنبال حمله به زبان پارسی بودند آیا ترس آنها از زبان پارسی دلیلی بر اهمیت این زبان نیست؟!

فارسی نقطه اشتراکی میان تمامی اقوام و زبان‌ها همچنین همواره ایجاد کننده هویت واحد میان مردمان منطقه و ایران زمین بوده است.

روحیه صمیمت در زبان فارسی هیچگاه بر علیه هیچ قوم و فرهنگ و زبانی نبوده بلکه آنان را هم پایه ای برای پویایی خود میداند.

و این گونه است که زبان فارسی از چین و هند و آسیای میانه تا بالکان گسترش می‌یابد و حتی در دربار سلاطین ترک عثمانی به عنوان زبان اداری و در اشعار و نگارش های آنان ماندگار می‌شود.

آری زبان فارسی زبان وحدت و تعامل فرهنگ هاست وحدتی که حتی زبان عربی نیز از ایجاد آن عاجز است و نمی‌تواند با آن همه دقت به شیرینی زبان فارسی تاثیرگذار باشد.



## حال فارسی چگونه است؟

حال باید بپرسیم در زمانه ما وضعیت زبان فارسی چگونه است؟ گسترش زبان فارسی که حالا بعد از انقلاب چند سالی است در گوشمان زمزمه می‌شود چه وضعیتی داشته است؟

شاید هنوز بعضی از ایده‌پردازان زبان فارسی اندر خم یک کوچه باشند. بعد از سالیان سال و تلاش‌های فراوان یک نهادی همچون فرهنگستان ادب فارسی، نتوانسته حتی در میان ادبیات مردمان داخل کشور اثر بگذارد و اندک واژه ای را جابه‌جا کند و یا اگر بتواند این کار را کند به دلیل اینکه قدرت ندارد واژه جدیدش، در میان واژگان عده‌ای بی سواد گم می‌شود (نمونه اش انتخاب بالگرد بود که به لطف حضراتی چرخبال شد و در میانه این دعوا این واژه معادل، نتوانست به درستی جایگزین شود) شاید فرهنگستان چندین جلد واژه ساخته است و معادل یابی کرده است اما سوال این است که آیا در میان مردم عادی و حتی نخبگان و نویسندگان مورد استفاده قرار می‌گیرد؟ فرهنگستان با هزاران مصوبه و دستور ندانسته که روال کار این نمی‌تواند باشد و بهتر است بگوییم فرهنگستان حتی در ذهن نخبه و نویسندگان ایرانی هم نیست چه رسد به جامعه.

این همه ظرفیت در زبان فارسی است که باعث شده خودکامگانی از این زبان بترسند به دنبال نابودی آن باشند، خود کامگان جهانی فهمیدند که برای جهان خواری خود وبه استثمار کشیدن مردمانی در کشوری همچون هند چاره‌ای جز یادگیری زبان فارسی ندارند و اگر این زبان را نفهمند فهمی هم از فرهنگ و آداب و رسوم آنان نخواهند داشت.

اینگونه شد که خودکامگان خود مانعی برای گسترش زبان فارسی شدند.

## گسترش زبان فارسی در خارج از کشور

وضعیت گسترش زبان فارسی در خارج از کشور با مسائل داخلی کمی متفاوت است. تا قبل از همه گیری کرونا دانشجویانی برای یادگیری زبان فارسی و علوم دیگر به ایران می‌آمدند و استادانی برای آموزش به کشور های خارجی اعزام میشدند، آموزشکده‌های زبان فعال بود اما بعد از همه گیری کرونا و همچنین مشکلات اقتصادی، ورود دانشجو به کشور و اعزام استاد بسیار سخت شد. مشکلات مالی آموزشکده ها و هزینه‌های آنان و عدم توجه راینزان فرهنگی کشور باعث شد آموزش زبان فارسی کم کم رکود پیدا کند بنیاد تازه تاسیسی چون بنیاد سعدی هم که عهده دار آموزش زبان فارسی در دنیا است و ریاست آنرا رییس جمهور باید به عهده بگیرد با مشکلات مالی و بودجه مواجه شده است اما همچنان سعی دارد کرسی های زبان آموزی خود را در کشور های خارجی همچون آذربایجان و ... حفظ نماید.



کلمه

شماره یازدهم / بهمن ۱۴۰۰



### مشکل کجاست؟

شاید مشکل در ادیبان و زبان شناسان ما نباشد شاید مشکل آن پژوهشگر زبان فارسی که شب و روز خود را وقف زبان شیرینی پارسی می‌کند نبوده است بلکه مشکل می‌تواند در نبود فهم کلی از فضای جنگ نرم موجود در جهان باشد مشکل شاید در نبود فهمی درست از گسترش زبان فارسی باشد و یا شاید ارتباط میان اجزای فرهنگی کشور. فرهنگستان چندین جلد واژه تولید کرده است چرا در کتب بنیاد سعدی بکار نمیبرد؟ بنیاد سعدی با مشکلات مالی و هزینه های اعزام استاد و بالا رفتن دلار مواجه است چرا از ظرفیت رسانه و آموزش غیر حضوری و فضای مجازی بهره نمی‌برد؟ امروزه برای یادگیری زبان انگلیسی هزاران برنامه گوشی و وبگاه وجود دارد چرا از این ظرفیت استفاده نمی‌شود؟ چرا مهندسين فرهنگي زبان فارسي از تجربه هاي خوبي مانند بازي ( آميرزا ) عبرت نمي‌گيرند؟

### نمونه موفق

کشور همسایه ما ترکیه علاوه بر تاسیس بنیاد (یونس امره) که عهده‌دار گسترش زبان ترکی در کشورهای خارجی است اقدام به ایجاد موج فرهنگی و رسانه‌ای عظیمی کرد که آنرا (موج ترکی) می‌نامند که مشابه آن قبلا در کره جنوبی ایجاد شد. به وسیله ساخت سریال‌ها و آهنگها به زبان ترکی و صادرات آن. هم نظر گردشگران را جلب کرد و هم بسیاری از مردم دنیا را مشتاق به یادگیری زبان ترکی.

کشور ما که از ظرفیت فیلمسازی و موسیقی خوبی برخوردار است چرا نمی‌تواند نمایانگر فرهنگ زبان فارسی باشد و چرا مسئولین برای گسترش زبان فارسی به سمت رسانه حرفه ای روی نمی‌آورند؟ یا اصلا چرا میان نویسندگان رمان و داستان فارسی و واژگان اینقدر فاصله است و ارتباطی میان آنان نیست؟

شاید یک برنامه ریزی صحیح توسط نخبگان و برای گسترش زبان فارسی و توجه ویژه به آن بتواند سردرگمی و درجا زدن ما در زبان فارسی را کم کند و بتواند افقی جدید پیش روی ما قرار دهد.

شاید این وقایع و دسیسه های خودکامگان فرصت برای بازاندیشی ما به زبان فارسی باشد  
اگر خدا خواهد.

# تیز چشم...

فائزه رحیمی نژاد؛ دانشجوی مترجمی عربی

ناهمواری نمی‌کند. رفیق یا نرمی یا هنجار درست به این معناست. گاهی هم ممکن است به یک چیز که دست می‌زنید، دست را بخراشد و زخم کند در حالی که جنسش مثل فولاد نیست از یک تکه چوب است چوب را ممکن است ناهموار بتراشند. بعضی حرف ناحق را، حرف سست را، سخن کم محتوا را، طوری می‌گویند که همه را می‌خراشد. ممکن هم هست یک فکر با محتوا یک فکر درست و یک فکر قوی را طوری بیان کرد که با همه استحکام هیچ ناهنجاری نداشته باشد. اسلام این است قرآن این است.»<sup>۱</sup>

هنگامی که پیامبر اکرم (ص) حضرت علی (ع) را به یمن فرستاد به او توصیه کرد که بی‌دلیل و قبل از اتمام حجت به برخورد و تقابل متوسل نشود. منطق اسلام از آنچنان قدرت و استحکامی بهره‌مند است که بر خلاف پندار پوچ عده‌ای پر ادعا نه تنها در سایه تساهل و تسامح مورد نظر پیامبر (ص) تضعیف نخواهد شد که درخشندگی و جذابیتی مضاعف نیز خواهد یافت. اسلام در سایه نقاط اشتراک به نقاط افتراق پایان می‌دهد نشان سیر برخی مدعیان تبلیغ دین که با پررنگ کردن لغزش‌ها و نقاط ضعف و افتراق، مجرای برای فریاد زدن دینداری و تعبد بی بنیان خود می‌کشایند.

را به گونه ای خواهد یافت که برخورد یا تقابل برای اجرای آنها ضروری است و تعداد بیشتر آنها با نرمی و لطافت و دوستی قابل گسترش است. نباید دچار این خطا شوند که نرمی و عدم سختگیری بر افراد، نشانه ضعف و سستی مبانی و تعلیم ماست بلکه برعکس ندای حق بدون هیچ فریادی در سکوت و آرامش نیز شنیدنی است

این همه عربده و تندى و ناسازى چیست؟  
نه همه هم‌ره و هم قافله و هم زادند؟

مولوی، دیوان شمس

بر خلاف کلام باطل که با جنجال و فریاد زنده است و برای اشاعه و پیشرفتش بر یاری هزاران طبل و دهل محتاج.

«ما پیامان پیام اسلام است. یکی از همان چیزهایی که عرض کردم از عوامل انتشار اسلام است، رفیق است. رفیق یعنی همواری. رفیق به معنای سستی نیست. رفیق به معنای خاکریز نرم قابل نفوذ نیست. رفیق یعنی ناهنجار نبودن، ناهموار نبودن، جگر خراش نبودن. این معنی رفیق است. شما به یک عنصر بسیار سخت، مثل فولاد که می‌زنید، دستتان احساس ناراحتی نمی‌کند؛ احساس ناهنجاری و

فردی که جامه تبلیغ بر تن کرده است؛ تنها رسالتش درمان روح و جان افراد مبتلا به عصیان و غفلت است. یکی از بزرگ‌ترین انحرافات موجود در این مسیر آن است که ما، مبتلایان به این امراض را مجرم فطری بدانیم و معتقد باشیم که باید با قهر و غضب اقدام به اصلاح آن‌ها نمود. داعی کبیر (ص) با تمام عظمت و قرب بی مثالش تشنه شفابخشی انسان‌ها بود و در مقام هدایت، به سران کفر و شرک نیز از منظر بیمارانی قابل ترحم می‌نگریست؛ آنگاه چگونه است که برخی از ما با مشاهده اندک لغزشی در افراد آن چنان با آنها برخورد می‌کنیم که راه هدایت آنها برای همیشه بسته و باستان خود، افراد را از مسیر اصلاح دور می‌داریم. خدای متعال با بیان این ضرورت‌ها در فرمانی به رسولش (ص) آن‌ها را رنگ جاودانگی بخشیده است.

«اگر خشن و سنگدل بودی از اطراف تو پراکنده می‌شدند پس آنها را ببخش و برای آنها آمرزش به طلب و در کارها با آنان مشورت کن! اما هنگامی که تصمیم گرفتی قاطع باش! و بر خدا توکل کن زیرا خداوند متوکلان را دوست دارد.» سوره مائده آیه ۱۵۹  
اگر کسی به کلیه احکام و تعالیم دین با دقت و تعمق نگاهی می‌اندازد مقدار بسیار ناچیزی از آن‌ها

شان از جملات معروفی که از ایشان در ذهن من مانده این است که می‌فرمودند: اگر ما بخواهیم دور هر کس را به خاطر نقطه ضعفی که دارد خط بکشیم علی می‌ماند و حوضش.<sup>۲</sup>

«شهید بهشتی به این مسئله اعتقاد خاصی داشت که باید به مشترکات افراد توجه کرد و در تعامل با آنها به نقاط مثبت شخصیت شان عنایت داشت این خطاها و اشتباهات

۱- بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار کارگزاران نظام ۱۳۷۲/۱۰/۲۰

۲- سیره عملی شهید بهشتی؛ غلامعلی رجایی، ص ۴۳۷





### کلمه ۳

**نشریه کلمه**  
شماره ۲۰۰ / سال چهارم / بهمن ۱۴۰۰

## پیشاپیش سال نو را تبریک می‌گوییم

آیا می‌توان گفت که در سال ۱۴۰۰ هر اتفاقی که افتاد در زمانه‌ای است که از زمان بهار تا به این روزها بهشت بهشت‌ها در آن در گذشت. سال ۱۴۰۰ سال پر از اتفاق و رخسارهای درخشان است که در هر لحظه‌ای از آن، ما را به یاد می‌آورد که این جهان پر از زیبایی‌هاست و ما باید قدر آن را بدانیم. در این سال، ما شاهد اتفاقات مهمی بودیم که در تاریخ ما ثبت خواهد شد. ما شاهد ظهور و افول بسیاری از افراد و رویدادها بودیم. ما شاهد تغییرات بزرگی در جامعه ما بودیم. ما شاهد تلاش‌های بی‌وقفه برای پیشرفت کشورمان بودیم. ما شاهد ایستادگی و مقاومت ما در برابر دشمنان بودیم. ما شاهد اتحاد و همبستگی ما در مواقع بحران بودیم. ما شاهد امید و دلخوشی ما در هر لحظه بودیم. ما شاهد عشق و محبت ما در هر لحظه بودیم. ما شاهد نور و روشنایی ما در هر لحظه بودیم. ما شاهد زندگی ما در هر لحظه بودیم. ما شاهد بهشت ما در هر لحظه بودیم. ما شاهد بهشت ما در هر لحظه بودیم.

### کلمه ۴

**نشریه کلمه**  
شماره ۲۰۰ / سال چهارم / بهمن ۱۴۰۰

## هنر انقلاب اسلامی؛ هنر دردمندان

### انتخاب کتابانه

### تقاجم فرهنگی

### تیز چشم (قسم دوم)

### انتخاب مسیری از سبایی تا آوینی

### تا ملی بر شعار سال ۱۴۰۰

بررسی هنر انقلاب اسلامی با نگاه به «هنرمند هنرمندان»  
هنر انقلاب اسلامی  
هنر انقلاب اسلامی  
هنر انقلاب اسلامی

### کلمه ۵

**نشریه کلمه**  
شماره ۲۰۰ / سال چهارم / بهمن ۱۴۰۰

## قانون برون

در سوگ قانون

شیر به بیخ دانشکده ادبیات فارسی و زبا نهای علاقه‌مندیان (۲)

تیم	نگار	آناهیتا	شیر	آناهیتا	تیم
آناهیتا	تیم	شیر	آناهیتا	تیم	آناهیتا

# سالگی

### کلمه ۹

**نشریه کلمه**  
شماره ۲۰۰ / سال چهارم / بهمن ۱۴۰۰

## قهر در مسلمان

قهرمان؛ پایان ستم فراعدم جز ند برند  
دغدغه‌های دانشجویی

شیر به بیخ دانشکده ادبیات فارسی و زبا نهای علاقه‌مندیان (۲)

### کلمه ۱۰

**نشریه کلمه**  
شماره ۲۰۰ / سال چهارم / بهمن ۱۴۰۰

## قصه‌های امامین

اسباب‌های فضای مجازی  
ساز روز قانون اساسی  
تکنای؛ پارهنیسه همراه

شیر به بیخ دانشکده ادبیات فارسی و زبا نهای علاقه‌مندیان (۲)

**کلمه**  
شماره یازدهم / بهمن ۱۴۰۰





روز ۲۲ بهمن و راهپیمایی ۲۲ بهمن مظهر اقتدار ملی است؛ مظهر اقتدار ملت ایران است؛ مظهر حضور مردمی و اراده و عزم ملی ملت ایران است که مرد و زن و پیر و جوان، در همه‌ی شرائط به خیابان‌ها می‌آیند و خودشان را در سرتاسر کشور در مقابل چشم بینندگان قرار می‌دهند؛ این خیلی با عظمت است.

مقام معظم رهبری  
(مدظله‌العالی)

(۱۳۸۶/۱۱/۱۹)

